

بررسی جرم‌انگاری افساد فی الارض در نظام حقوقی ایران*

حسین فخر**

سمیرا یزدان‌شناس***

چکیده

افساد فی الارض اصطلاحی است که پس از انقلاب اسلامی وارد حقوق کیفری ایران شده است. از آنجا که در منابع فقهی از این عنوان مجرمانه تعریفی به عمل نیامده، قانونگذار نیز تعریفی از جرم افساد فی الارض ارائه ننموده و چگونگی تدوین مواد قانون، حاکی از ابهام شدید در ماهیت و ارتباط آن با محاربه است. با وجود این، در ماده 284 لایحه مجازات اسلامی 1390 این جرم مستقل از محاربه تعریف و مجازات جداگانه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است. به نظر می‌رسد تعریف بسیار گسترده و بی‌ضابطه این جرم باعث اختلاف نظر حقوقدانان و قضات و تفسیرهای ناصواب گردیده است؛ بنابراین این مقاله به تحلیل همین نظریه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: افساد فی الارض، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، لایحه مجازات اسلامی 1390، نظام حقوقی ایران.

تاریخ پذیرش: 91/5/22

* تاریخ دریافت: 91/2/3

** استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تبریز. Hosein.fakhr@gmail.com

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات آذربایجان شرقی.

مقدمه

محاربه و افساد فی الارض یکی از مهمترین عناوین جزایی فقهی است که قرآن کریم در آیات 32 و 33 سوره مائده برای آن حد قائل شده است. فقها نیز مصادیقی از آن را در متون فقهی عنوان کرده‌اند. در خصوص مترادف یا عدم مترادف بین دو عنوان «محرابه» و «افساد فی الارض» میان فقها اختلاف نظر وجود دارد که به حقوق موضوعه نیز وارد شده است.

این مساله که آیا محاربه جرمی مستقل از افساد فی الارض است یا نه، همواره موجب اختلاف نظر بین حقوقدانان شده است. با توجه به تعاریف فقها از محاربه و مصادیق فقهی که در خصوص محاربه و افساد فی الارض وجود دارد، قانونگذار در ماده 183 قانون مجازات اسلامی 1370 اصطلاح محاربه را تعریف کرده است. زیرا اسلحه کشیدن و ایجاد رعب و هراس که دو شرط اختصاصی این ماده می‌باشد، با توجه به تعاریف فقها از شرایط تحقق جرم محاربه محسوب می‌شوند. به عبارتی دیگر در قانون مجازات اسلامی 1370 و سایر قوانین جاری جرم افساد فی الارض تعریف نشده است. این موضوع برخلاف مقتضای اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. زیرا بدون ارائه تعریفی جامع و مانع برای افساد فی الارض صرفاً به ذکر مصادیقی از آن در قانون مذکور و قوانین متفرقه جزایی پرداخته شده است. در لایحه مجازات اسلامی 1390¹ محاربه و افساد فی الارض جدا از یکدیگر تعریف شده اند به طوری که مطابق این لایحه، محاربه مستلزم کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها و ایجاد فضای ناامنی است و مجازات آن هم یکی از مجازات‌های چهارگانه (اعدام، صلب، قطع عضو و نفی بلد) است. اما افساد فی الارض تعریف جداگانه دارد. به موجب ماده 284 لایحه مجازات اسلامی 1390 افساد فی الارض

شامل ارتکاب گسترده جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک و دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها می‌گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد و مجازات آن هم اعدام خواهد بود. این تفکیک از لحاظ رفع ابهام قانونی در خصوص وحدت یا ثنویت محاربه و افساد فی‌الارض از مزیت‌های لایحه جدید محسوب می‌گردد ولی علی‌رغم آن، در تعریف افساد فی‌الارض مطابق لایحه جدید، ابهام‌های متعددی ملاحظه می‌شود که باعث شناور شدن مرزهای این جرم و تفسیرهای ناصواب خواهد شد. به عنوان مثال کلمات گسترده، شدید، وسیع و عمده، فاقد هرگونه مقیاس کمی هستند. همین طور مفهوم امنیت، اخلال در نظم عمومی و اشاعه فساد، از ابضاح کافی برخوردار نیستند. همچنین در ماده 284 لایحه مرجع ضمیر واژه «آنها» آن جایی که معاونت در جرم را افساد تلقی کرده، روشن نیست و معلوم نیست که آیا معاونت در دایر کردن مراکز فساد و فحشا مدنظر است یا معاونت در همه جرایم مذکور در ماده. بدیهی است این ابهامات در مقام عمل، تفسیرهای گوناگون را دامن زده و موجب کم رنگ شدن اصل قانون بودن جرم و مجازات می‌گردد. لازم است پس از تشخیص ترادف یا عدم ترادف بین این دو عنوان، به تعامل جرم افساد فی‌الارض و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها نیز توجه کنیم.

پیشینه بحث

در بررسی پیدایش افساد فی الارض در اسلام و نظام‌های الهی قبل از اسلام هیچ منبعی موثق‌تر از قرآن کریم یافت نمی‌شود. در این کتاب آسمانی، سرگذشت افرادی مانند فرعون، قارون، جالوت، قوم لوط، قوم ثمود و اهل مدین ذکر شده است که آنها چون رسالت و قول پیامبر خود را قبول نکردند و به مقابله با او پرداختند، به عنوان مفسدین فی الارض محسوب شدند و از جانب خداوند عذابی عظیم بر آنها نازل شد. این عنوان کاملاً فقهی، پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد حقوق موضوعه ایران شد (مرعشی، 1370: 44-43). قانونگذار نیز عنوان افساد فی الارض را یا به تنهایی و یا در کنار محاربه در قوانین مختلفی مطرح کرده و برای آن مجازات در نظر گرفته است. اولین بار در لایحه حدود و قصاص 1361 جرم افساد فی الارض اینگونه تعریف شد: «هر فرد یا گروهی که با توجه و آگاهی دست به عملی زنند که سلامت نظام جامعه اسلامی را در قسمتی از زمین به خطر اندازد، مفسد فی الارض است». ولی شورای نگهبان این ماده را به دلیل عام و مجمل بودن حذف و پیشنهاد نمود که مصادیق لازم را به عنوان پاره‌ای از مصادیق افساد فی الارض صریحاً ذکر نمایند از قبیل مراکز فساد و عشرتکده و همچنین تهیه و فروش مواد مخدر که موجب فساد جامعه شود.

قانون حدود و قصاص مصوب 1361 کمیسیون امور قضایی «نخستین قانونی بود که در قلمرو جرایم علیه امنیت سبب شد تا بزه محاربه و افساد فی الارض به عنوان تنها بزه حدی مربوط به امنیت عمومی مردم در حقوق جزای اسلامی در قالب قانون جلوه‌گر شود» (مجیدی، 1386: 50). در ماده 196 این قانون مقرر شده بود: «هرکس برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه برد، محارب

می‌باشد». همچنین طبق ماده 103 قانون تعزیرات (1362) که با تصویب کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی برای مدت 5 سال به طور آزمایشی به اجرا گذاشته شد، دایرکنندگان مراکز فساد و تشویق کنندگان به فساد و فحشا که موجب فساد عفت عامه گردند، مفسد فی‌الارض محسوب شدند ولی با تصویب ماده 639 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 که جانشین ماده 103 شد، عنوان مفسد فی‌الارض از این ماده حذف گردید.

قانون بعدی مجازات اسلامی مصوب 1370 است که طی ماده 183 در تعریف محاربه، لفظ «مفسد فی‌الارض» را نیز به کار برده است.

از جمله قوانین دیگری که عنوان افساد فی‌الارض به تنهایی یا در کنار محاربه در آنها به کار رفته است، می‌توان از ماده 6 و 9 قانون مبارزه با مواد مخدر (1367)، ماده 4 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری (1367)، قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان (1367)، ماده 1 قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور (1367)، ماده واحد قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان و توزیع‌کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول (1368)، مواد 1 و 2 قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور (1369)، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (1382)، قانون مبارزه با قاچاق انسان (1383)، قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز می‌نمایند (1386) و ماده 11 قانون مجازات جرایم رایانه ای (1388) نام برد.

در قوانین مذکور، قانونگذار برخی جرایم را محاربه، برخی را در حکم محاربه و برخی دیگر را نیز مفسد فی‌الارض و یا در حکم مفسد فی‌الارض معرفی کرده و

همچنین برخی جرایم را که مصداق مفسد فی الارض می‌باشند، محاربه تلقی کرده است.

سرانجام لایحه مجازات اسلامی 1390 افساد فی الارض را از محاربه تفکیک کرد و ماده 284 را به جرم افساد فی الارض اختصاص داد. این ماده در فصل نهم از کتاب دوم لایحه مذکور یعنی در بحث حدود ذکر شده است.

مفهوم افساد فی الارض

تعریف لغوی

افساد از ریشه «فسد» گرفته شده است. «فسد» در فرهنگ فارسی معین به معنای تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن و نیز به معنای تباهی، خرابی، فتنه، آشوب، شرارت و بدکاری آمده است (معین، 1364، ج 2). مرحوم دهخدا افساد را به معنای «اغتشاش، زیان، خسارت، ضرر و تبه کاری» آورده است (دهخدا، بی تا، ج 7: 3101).

راغب اصفهانی در مفردات، فساد را این گونه معنی کرده است: «الفساد خروج الشيء من الاعتدال قليلاً كان الخروج عنه او كثيراً و يضاده الصلاح...» (بی تا: 376). یعنی: فساد بیرون رفتن از حد اعتدال است چه کم باشد و چه زیاد، و صلاح ضد فساد است».

در خصوص معنای «فی الارض»، «با وجود روشن بودن معنای این عبارت، دو احتمال وجود دارد: احتمال اول آن است که محل ارتکاب فساد، کره خاکی زمین است. بر پایه این احتمال، عنوان فساد در زمین همه مفاصدی را که در زمین به وقوع می‌پیوندد در بر می‌گیرد؛ هر چند گناهی کوچک و در محلی دور از چشم دیگران باشد

– مثلاً خانه‌ای بوده و اثر تخریبی آن از همان محدوده کوچک فراتر نرود» (بای، 1385: 29-58). «چنین احتمالی نادرست است. چون بسیار روشن است که زمین محل زندگی انسان است، از این رو هر کار شایسته یا ناشایستی از انسان سر بزند به ناچار بر روی زمین خواهد بود، بر این اساس آوردن قید «فی‌الارض» چه فایده‌ای خواهد داشت؟ بلکه می‌توان گفت آوردن چنین قیدی، مخلاً معنای کلام و یا دست کم نامناسب است، زیرا میزان کیفر دادن کسی به خاطر ارتکاب جرمی، این نیست که آن جرم بر روی زمین از مجرم صادر شده باشد یا در محل دیگری. از این رو، محل وقوع جرم (زمین)، در استحقاق مجازات تاثیری ندارد» (هاشمی شاهرودی، 1378: 236-237). «احتمال دیگر آن است که قید «فی‌الارض» کنایه از گستردگی عمل مرتکب و گویای بر پا کردن فساد در منطقه یا ناحیه‌ای از زمین باشد. این احتمال با برداشت مفسران و فقها و نیز فهم عرفی از این عبارت مناسب‌تر است» (بای، 1385: 29-58). لازم به ذکر است که «عنوان افساد با عنوان افساد فی‌الارض تفاوت دارد؛ به این معنا که افساد فی‌الارض معنای اخص و مرتبه بالاتری از افساد را افاده می‌کند. هر افساد فی‌الارضی، افساد مطلق است، اما هر افسادی، افساد فی‌الارض نیست. اگر چه قید فی‌الارض در برخی از آیات قرآن کریم فقط بیان‌کننده محل عمل است اما در بسیاری از آیات که فی‌الارض بعد از افساد ذکر شده است به خصوص آیات 32 و 33 سوره مائده که با موضوع ما کاملاً مرتبط است، ظهور در فراگیری و گسترده بودن فساد دارد که منظور از آن نوعی اختلال قابل اعتنای اجتماعی است. مانند به آشوب کشیدن یک شهر یا یک کشور» (مدرسی یزدی، 1387: 7).

تعریف اصطلاحی

فقها بابی را به عنوان افساد فی الارض اختصاص نداده و آن را تعریف نکرده‌اند و تنها در قسمت‌های مختلف متون فقهی به ویژه در قسمت حدود به ذکر مصادیقی از آن از جمله: آتش زدن منزل دیگری (طوسی، 1342، ج 4: 1893؛ حلی، بی تا، ج 9: 364)، کفن دزدی (ابن ادریس، بی تا، ج 3 و حلی، بی تا، ج 9، به نقل از: هاشمی شاهرودی، 1378: 282-283)، ربودن فرد آزاد و اقدام به فروش او (حلبی، 1403: 412؛ ابن ادریس، بی تا، ج 3: 499؛ محقق حلی، 1410: 224)، اعتیاد به کشتن اهل ذمه و بردگان (حلبی، 1403: 384؛ ابن زهره، 1417: 407؛ اردبیلی، 1416، ج 14: 27)، خارج ساختن مال با دروغ و حيله از چنگ فرد (طوسی، 1363، ج 4: 243) و ... اکتفا کرده‌اند.

با وجود این عده‌ای از حقوقدانان در کتاب‌های اخیر التالیف خود - با ذکر تعریف دیگران - مبحثی را به این عنوان اختصاص داده‌اند که در ذیل به چند نمونه از این تعاریف می‌پردازیم.

علیرضا فیض در بررسی «کیفر محاربه» در کتاب «مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی» اشاره‌ای گذرا به جرم افساد فی الارض نموده و در بیان تعریف آن، چنین گفته است: «فساد در زمین قید دیگری است که در آیه (33 سوره مائده) وجود دارد. فساد در زمین با توجه به قید زمین جنبه عمومی جرم را می‌رساند. هر معصیت و جرمی فساد است ولی فساد در زمین نیست، آن چه به عنوان مصادیق محاربه قبلاً نام برده شده و ناامن کردن راه‌ها و شهرها و اغتشاش در جامعه و سلب امنیت از مردم به وسیله قوای قهریه و سلاح، همه از مصادیق آشکار فساد در ارض، مفسد فی الارض و محاربه است». ایرادی که به این تعریف می‌توان گرفت این است که قسمت اخیر گفتار ایشان با ابتدای آن مغایرت دارد. چرا که در ابتدا بیان شده که «فساد در زمین قید

دیگری است که در آیه وجود دارد» و در قسمت اخیر همه مصادق محاربه را از مصادیق افساد فی‌الارض دانسته است (نعناکار، 1377: 41 و 42).

در تعریف دیگری آمده است: «نباید مفهوم محارب و مفسد فی‌الارض را به یک معنی به کار برد زیرا مراد از مفسد فی‌الارض کسی است که در جهت فاسد کردن دیگران تلاش و کوشش داشته باشد و قصد ستیزه‌جویی، گردنکشی، پیکار و محاربه با خدا و رسول خدا را دارد» (ولیدی، 1374، ج 4: 247؛ شامبیاتی، 1371، ج 2: 307). در این تعریف به تفاوت میان محاربه و افساد فی‌الارض اشاره شده و همچنین، قصد از فاسد کردن دیگران را ستیزه‌جویی، گردنکشی و پیکار و محاربه با خدا و رسول بیان کرده که این شبهه پیش می‌آید که این جرم فقط مربوط به زمان رسول خدا می‌باشد. همچنین در این تعریف تنها به یکی از مصادیق افساد فی‌الارض اشاره کرده است که به فرض عدم وجود اشکال اول می‌توان با اعمال دیگری غیر از فاسد کردن دیگران، به ستیزه‌جویی و پیکار و محاربه با خدا و رسول دست زد. همچنین منظور از دیگران در این تعریف مشخص نیست که آیا شامل دو نفر است یا سه نفر یا بیشتر؟ آیا تلاش و کوشش جهت فاسد کردن دیگران به وسیله فعل است یا ترک فعل و یا به وسیله گفتار؟ با این نقایص این تعریف نیز خالی از اشکال نیست (نعناکار، 1377، ص 42).

تعریف دیگری که در این زمینه وجود دارد اینگونه است: «به طور کلی فساد و مشتقات آن پنجاه مورد در قرآن به کار رفته است که هر یک دارای مصادق خاصی هستند. ولی جامع بین همه آنها همان خروج از اعتدال و به هم ریختن اعتدال و نظام طبیعی و یا تشریحی هر چیزی است. لذا مفسد کسی است که شی را از حالت سلامت و صلاح بیرون ببرد و در رأس مفسدین، مفسدی قرار دارد که به منظور سلب امنیت و ایجاد رعب و وحشت برای مردم دست به اسلحه می‌برد و با مقاتله و جنگ و قتال

نظام صالح را که مقتضای ربوبیت خداوند است به مخاطره می‌اندازد. اما فساد منحصر به محاربه نیست و خروج از اعتدال به هر کیفیتی و به هر میزانی و با هر شیوه و وسیله‌ای که صورت بگیرد، فساد تحقق می‌یابد بنابراین جرایمی مانند تشکیل باندهای فحشا و منکرات و ارتشا و کلاهبرداری، قاچاق مواد مخدر، تحریک و تشویق مردم به بی‌عفتی و هرزگی و ... که همگی منجر به خروج از حالت اعتدال و میانه روی - که حرکت به سوی خداست - می‌شوند از مصادیق افساد فی الارض هستند» (حبیب زاده، 1371: 31).

ایراد این تعریف این است که به اندازه‌ای عام و گسترده است که هر عملی را شامل می‌شود چرا که هر گناه و عملی هر چند جزئی موجب برهم خوردن اعتدال و حرکت به سوی خدا می‌باشد.

در تعریف دیگری آمده: «اقدام به عملی که موجب نابودی انسان‌ها و یا اموال مردم یا غارت آنها و یا اقدام به عملی که موجب ایجاد فتنه و تفرقه و آشوب در میان افراد و یا اقدام به عملی که موجب گسترش فساد و انحراف اخلاقی عده‌ای از مردم به هر نحو از انحا می‌شود، افساد فی الارض است» (گلدوست جویباری، 1387: 49) این تعریف نیز به دلیل عام و گسترده بودن خالی از ایراد نیست.

تعریف دیگری که به نظر نگارندگان کامل‌تر از تعاریف دیگر است، با مضمون ذیل است:

«افساد فی الارض از جرایمی است که علیه امنیت و سلامت و نظم جامعه اسلامی انجام می‌پذیرد و قصد مرتکب آن چیزی غیر از ضربه زدن به نظام جامعه اسلامی و مقابله با آن نمی‌باشد و حتی اعمالی را که مرتکب علم به چنین اثری باشد نیز شامل می‌شود یا به عبارت دیگر افساد فی الارض می‌تواند به هر طریق و وسیله‌ای اعم از

فعل و ترک فعل تحقق یابد؛ به شرط آن که هدف و قصد نهایی مرتکب آن ضربه زدن به نظام و مقابله با آن باشد و موجب برهم زدن سلامت و امنیت جامعه اسلامی گردد و امنیت جامعه اسلامی اعم است از امنیت فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی. همچنین سلامت جامعه نیز اعم است از سلامت افراد جامعه یا غیر آن از ارگان‌های اداری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی. می‌توان گفت: افساد فی‌الارض عبارت است از هر گونه رفتار آگاهانه و عمدی هر کس یا کسانی، برای برهم زدن امنیت و سلامت نظام جامعه اسلامی به قصد براندازی و یا ضربه زدن به آن و یا علم به موثر بودن این رفتار در مقابله با آن» (نعناکار، 1377: 60-59).

نقاط اشتراک و افتراق محاربه و افساد فی‌الارض

بر اساس تعاریف فوق، می‌توان در خصوص نقاط اشتراک و افتراق عناوین محاربه و افساد فی‌الارض موارد زیر را متذکر شد:

نقاط اشتراک

- الف) هر دو جرم می‌تواند از طریق برهم زدن امنیت و نظام اسلامی تحقق یابد.
- ب) هر دو از طریق فرد یا گروه قابلیت ارتکاب دارند.
- ج) در هر دو فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان نیست.
- د) افساد فی‌الارض می‌تواند از طریق کشیدن سلاح و ایجاد ترس و وحشت و برهم زدن امنیت جامعه و مردم صورت گیرد.

نقاط افتراق

الف) شرط محاربه استفاده از سلاح است ولی در افساد فی الارض وجود سلاح لازم نیست.

ب) در محاربه «هراسیدن» یا طبق نظر برخی از فقها و علمای حقوق صرف قصد هراساندن شرط است (گلدوزیان، محشای قانون مجازات اسلامی، ذیل ماده 183) ولی در افساد فی الارض «هراسیدن» یا «قصد هراس» شرط نیست.

ج) محاربه با یک مورد هم قابلیت ارتکاب دارد ولی افساد فی الارض باید به طور گسترده صورت پذیرد.

د) در محاربه عنصر مادی جرم عبارت است از به کارگیری سلاح که به صورت فعل مثبت مادی محقق می‌گردد و باید علنی صورت بگیرد، اما در افساد فی الارض عنصر مادی گاه به صورت فعل مثبت مادی است مانند جعل اسکناس، تولید و توزیع مواد مخدر و گاه به صورت فعل مثبت معنوی است مانند تحریک و ترغیب نیروهای نظامی به فرار و تسلیم و گاه به صورت ترک فعل است مانند احتکار و همچنین این جرم می‌تواند به صورت غیرعلنی نیز تحقق یابد.

ه) در محاربه هدف ایجاد خوف و وحشت و سلب آزادی و امنیت است ولی در افساد فی الارض با توجه به تعریف گسترده این جرم که شامل جرایم متنوعی می‌گردد، بستگی به نوع جرم ارتكابی دارد.

مقایسه قانون مجازات اسلامی 1370 و لایحه مجازات اسلامی 1390 در خصوص محاربه و افساد فی‌الارض

اگر بخواهیم نقاط افتراق قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 با لایحه مجازات اسلامی 1390 در خصوص ترادف یا عدم ترادف بین دو جرم «محاربه» و «افساد فی‌الارض» را بیابیم ابتدا بیان مواد قانونی مربوطه لازم می‌آید:

قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 در ماده 183 چنین عنوان می‌دارد: «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی‌الارض می‌باشد».

همانطور که از این ماده پیداست دو عنوان «محاربه» و «افساد فی‌الارض» در یک مفهوم به کار رفته و لاینفک محسوب می‌گردند. البته از ظاهر این ماده چنین استنباطی هم دور از ذهن نیست که رابطه محاربه و افساد فی‌الارض را، رابطه عموم و خصوص مطلق به عمومیت عنوان افساد فی‌الارض بدانیم. به طوری که بگوییم هر محاربی مفسد فی‌الارض شناخته می‌شود ولی هر مفسد فی‌الرضی محارب نمی‌باشد. همان‌طور که عنوان شد این فقط می‌تواند به عنوان یک برداشت تلقی شود. در مواد دیگر قانون مذکور عناوین «محاربه» و «افساد فی‌الارض» در کنار هم آمده است مانند مواد: (188، 189، 190، 193، 195 و 196).

در این قانون قطاع الطريق یا سارق مسلح که در جاده‌ها امنیت مردم را بر هم زده و رعب و وحشت ایجاد کند «محارب» شناخته می‌شود. همان‌طور که دیده می‌شود مقنن در این قسمت واژه «مفسد فی‌الارض» را در خصوص قطاع الطريق به کار نبرده است. در هر حال بین مواد قانون مجازات اسلامی 1370 تعارض‌هایی به چشم می‌خورد. اما آنچه در لایحه مجازات اسلامی مصوب 1390 به عنوان جرم محاربه

شناخته شده، موضوع ماده 277 این لایحه است. بر اساس این ماده « محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد».

ذکر چند نکته در خصوص تفصیل این ماده لازم است که در این قسمت به بیان آن می پردازیم.

اولاً در مقایسه بین ماده 183 قانون مجازات اسلامی با ماده 277 لایحه نخستین تغییری که به وجود آمده این است که در قانون 1370 نحوه تعریف جرم محاربه به صورت «جمله خبری یا فعلی» آورده شده ولی در لایحه تعریف محاربه به صورت «مصدری» بیان گردیده است. منظور از واژه «سلاح» چیزی است که برای نزاع و جنگیدن به کار می رود و معنی آن از زمانی به زمان دیگر و از مکانی به مکان دیگر تغییر می یابد و ملاک تشخیص آن عرف است. سلاح می تواند اعم از سلاح سرد یا گرم باشد. اعمالی مثل اسید پاشی، آتش زدن یا اخذ به قوه ظهراً از شمول عنوان اسلحه و در نتیجه محاربه خارج می گردند (میرمحمد صادقی، 1386، ج 3: 48). دومین تغییری که بین این دو ماده به وجود آمده این است که در ماده 183 قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 به «قصد جان و مال یا ناموس مردم» اشاره نشده که در متن لایحه شرط شده است. سومین تغییر در رابطه با کلمات و عبارات به کار رفته برای ایجاد رعب و هراس است که در متن لایحه از عنوان کلی «ارباب» استفاده گردیده است. اما مهم ترین تغییر که موضوع مورد بحث در این مقاله است حذف عنوان «افساد فی الارض» مذکور در ماده 183 می باشد. به این صورت که در ماده 277 لایحه عنوان مذکور حذف گردیده است. لیکن حذف این عنوان به معنای حذف آن از خود لایحه نبوده چرا که در ماده 284 لایحه مجازات اسلامی 1390 افساد فی الارض چنین تعریف

شده است: «هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمّی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، نا امنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد».

توجه در این ماده کاملاً روشن می‌سازد که رویکرد و دیدگاه لایحه مجازات اسلامی 1390 در خصوص ترادف یا عدم ترادف جرایم محاربه و افساد فی الارض کاملاً متفاوت از قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 می‌باشد. چرا که قانونگذار دو جرم محاربه و افساد فی الارض را هم از لحاظ تعریف و هم از لحاظ مجازات کاملاً مستقل و جدا از هم بیان نموده است.

افساد فی‌الارض در لایحه مجازات اسلامی 1390

جرم فساد فی‌الارض در لایحه مجازات اسلامی مستقل از جرم محاربه دانسته شده است. اگر بخواهیم طبق این قانون جرم افساد فی الارض را تشریح کنیم ذکر نکاتی چند لازم می‌آید:

الف) ذکر عنوان «هر کس» نشان می‌دهد که مرتکب جرم افساد فی الارض اعم از زن و مرد، پیر و جوان، مسلمان و غیر مسلمان است.

ب) در ماده 284 «گسترده بودن» اعمال ارتكابی شرط لازم برای اعمال این ماده دانسته شده لذا با یک مورد نمی توان این ماده را در مورد مرتکب جاری ساخت (بخشی زاده، 1391: 141).

پ) در خصوص ارتكاب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، دین، جنسیت و سایر خصوصیات مجنی علیهم تاثیری ندارند (همان).

ت) ماده مذکور پس از بیان مصادیق جرم افساد فی الارض به بیان شرط اصلی و مهم این جرم نیز اشعار نموده و آن عبارت از ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع می باشد.

ث) یکی دیگر از تفاوت هایی که بین قانون مجازات اسلامی 1370 و لایحه در خصوص موضوع مورد بحث به وجود آمده مربوط به مجازات جرم محاربه و افساد فی الارض است. به طوری که در قانون 1370 مجازات در نظر گرفته شده برای محاربه و افساد فی الارض (با توجه به ترادف این دو واژه در قانون مزبور) یکی از چهار مجازات: 1) قتل 2) آویختن به دار 3) اول قطع دست و سپس پای چپ 4) نفی بلد به اختیار حاکم (یا قاضی) است در حالی که در لایحه با توجه به جداسازی بین دو جرم، فقط مجازات اعدام برای جرم افساد فی الارض در نظر گرفته شده است.

تاثیر توبه مرتکب در لایحه مجازات اسلامی 1390

با توجه به تبصره 1 ماده 113 لایحه، در جرم محاربه توبه مرتکب قبل از دستگیری موجب سقوط حد خواهد بود البته باید بین توبه قبل از دستگیری و توبه قبل از اثبات جرم تفاوت قائل شد. زیرا براساس صدر ماده 113 لایحه مذکور و تبصره 1 آن هرگاه

مخاربه قبل از ثبوت جرم توبه کند حد از او ساقط نمی‌شود ولی اگر قبل از دستگیری توبه کند حد از او ساقط می‌گردد. ولی در جرم افساد فی‌الارض مطابق ماده 113 لایحه مذکور برخلاف مخاربه، توبه مرتکب قبل از اثبات جرم موجب سقوط حد است.

تعامل افساد فی‌الارض و اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها

ریشه اصل قانونی بودن را می‌توان در منابع فقهی و قانونی جستجو کرد. بر اساس این اصل هیچ فعل یا ترک فعلی جرم نیست مگر آنکه قبلاً قانون آن را جرم شناخته و بر آن مجازات تعیین نموده باشد. بنابراین قوانین باید بدون ابهام و با صراحت بیشتری تدوین شوند. با توجه به اینکه جرم افساد فی‌الارض از مهم‌ترین و شدیدترین جرایمی است که مجازات آن سالب حیات (اعدام) است، لذا اهمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و جرم افساد فی‌الارض مستلزم تطابق و تدفیق این دو با یکدیگر می‌باشد. برای اینکه بدانیم این جرم چقدر با اصل مزبور مقارن و مطابق می‌باشد در زیر به کاستی‌های قانون مجازات اسلامی 1370 و نیز لایحه مجازات اسلامی 1390 در خصوص موضوع این مقاله می‌پردازیم.

تعامل افساد فی‌الارض و اصل قانونی بودن در قانون مجازات اسلامی 1370

همان‌طور که در ابتدای این مقاله گذشت، جرم افساد فی‌الارض در قانون مجازات اسلامی در کنار جرم مخاربه آورده شده است. لیکن برای تحقق عنصر مادی جرم مخاربه دو شرط اصلی لازم می‌باشد:

الف) کشیدن اسلحه ب) رعب و هراس و سلب امنیت عمومی.

آنچه در خصوص رابطه منطقی جرم محاربه و افساد فی الارض صحیح به نظر می‌رسد و قول مشهور فقهای امامیه نیز متکی به آن است، ارتباط بین این دو جرم عام و خاص مطلق است. یعنی هر محاربه مفسد فی الارض است ولی هر مفسد فی الارضی محاربه نیست (حبیب‌زاده، 1379: 12 و 27). با اتکا بر این دیدگاه عملاً در ماده 183 ق.م.ا مصوب 1370 که به تعریف جرم محاربه اختصاص دارد، تعریفی از افساد فی الارض به چشم نمی‌خورد. این موضوع مخالف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد. البته ماده 188 این قانون در تعارض با ماده 183 آن تلقی می‌شود؛ چرا که در ماده 183 شرط تحقق محاربه «دست بردن به اسلحه» و «ایجاد رعب و هراس» بین مردم است. در حالی که در ماده 188 فرد بدون داشتن این دو شاخصه محاربه تلقی شده است که بهتر است چنین جرمی را از مصادیق افساد فی الارض محسوب نمود. لازم به ذکر است از این تعارض چنین می‌توان چشم پوشی کرد که این دیدگاه قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 مبنی بر واحد بودن محاربه و افساد فی الارض می‌باشد. لذا در یک نتیجه‌گیری نهایی آنچه مسلم است این است که برای شمول عنوان محاربه و افساد فی الارض به عمل مرتکب، قانون ایران بیش از آنکه به ضابطه «دست به اسلحه بردن» توجه داشته باشد، به «قصد» مرتکب دایر بر مقابله و معاوضه با نظام یا «آثار» ناشی از اعمال وی در ضربه زدن به نظام توجه داشته است (میرمحمد صادقی، 1386: 52). دلایل این مدعا را می‌توان در مصادیق محاربه و افساد عفی الارض بر حسب مواد مختلف قوانین جاریه ذکر کرد. به عنوان مثال می‌توان به موارد زیر به صورت اجمالی اشاره نمود که در برخی از آنها صرفاً از عنوان مفسد فی الارض استفاده شده است. این موضوع بر خلاف مقتضای اصل قانونی بودن جرایم و

مجازات‌هاست زیرا بدون ارایه تعریفی جامع و مانع برای افساد فی‌الارض صرفاً به ذکر برخی مصادیق آن پرداخته شده است به عنوان مثال :

(الف) در ماده 103 قانون تعزیرات مصوب کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی (1362) مقرر شده : ایجاد کردن مراکز افساد و فحشا در صورتی که سبب برای فساد عامه باشد.

(ب) در مواد 5 و 6 قانون تشدید مجازات مرتکبان و گران فروشان (1367) آمده است: گران فروشی، کم فروشی یا عرضه نان نامرغوب و خودداری از عرضه کالا یا دادن فاکتور به قصد مقابله با حکومت.

(ج) ماده 4 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری که مقرر می‌دارد: ارتکاب ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری با تشکیل و رهبری شبکه چند نفره.

(د) به موجب برخی از مواد قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام (1367) خرید و فروش و نگهداری یا حمل یا قاچاق مواد مخدر در سطح گسترده را افساد فی‌الارض دانسته است. این بند خود منافی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست. زیرا ملاک گسترده بودن این اعمال معین نشده است.

(ه) همچنین براساس پاره ای از مواد قانون مجازات نیروهای مسلح (1382) فروش، حیف و میل یا سرقت وسایل نظامی را از مصادیق افساد فی‌الارض شمرده است.

بدین ترتیب هرگاه رفتار مرتکب «در عمل» موجب بروز یکی از نتایج زیانبار بر تمامیت ارضی یا حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران شود، عمل مرتکب از جرم ساده به جرم محاربه و افساد فی‌الارض تغییر ماهیت خواهد داد (همان).

تشخیص این موضوع بر مبنای عرف بر عهده قاضی است. این موضوع در تعارض با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد که ضابطه‌ای معین و قانونی به عنوان «رکن قانونی» در نظر گرفته نشده است.

تعامل افساد فی الارض و اصل قانونی بودن در لایحه مجازات اسلامی 1390
لایحه مجازات اسلامی 1390 با رویکردی کاملاً متفاوت از قانون مجازات اسلامی
مصوب 1370 صراحتاً افساد فی الارض را از جرم محاربه تفکیک نموده است.
به طوری که ماده 277 را اختصاص به مهم‌ترین رکن قانونی جرم محاربه و ماده
284 را به عنوان تنها رکن قانونی افساد فی الارض آورده است. بر اساس تعریف
مذکور در ماده 284 لایحه 1390 یکی از شرایط لازم برای تحقق جرم افساد فی
الارض، «گسترده بودن» مصادیق مذکور در این ماده است. سوالی که به ذهن می‌رسد
این است که چه معیاری برای «گسترده بودن» این مصادیق وجود دارد؟ آنچه مسلم
است در قوانین جاریه این معیار تعیین نشده و ظهراً به قضاوت عرف واگذار گردیده
است. مرجع تشخیص بر اساس عرف نیز قضات دادگاه‌ها می‌باشند که تفاسیر متعدد و
معیارهای گوناگونی برای این کار خواهند داشت و در این صورت بدیهی است که
اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. ایراد فوق‌الاشعار در
خصوص عبارت «اخلال شدید» که در ماده آمده است نیز وارد بوده و معیاری برای
«شدت اخلال» تعیین نشده است. در ادامه ماده از عبارت مشابهی با عنوان «ورود
خسارت عمده» استفاده شده است که عمده محسوب شدن خسارت و میزان آن در
عناصر قانونی لازم تعیین نگردیده که این موضوع نیز منافی با اصل قانونی بودن جرایم
و مجازات‌هاست.

در نهایت در قسمت آخر ماده عبارت «در حد وسیع» آمده که وسعت ایجاد فساد و فحشا در این ماده معین نیست که چه شاخصه‌ای برای تشخیص ایجاد فساد و فحشا به صورت وسیع در نظر گرفته می‌شود. این موارد که فوقاً ذکر گردید از عمده نکات لازم‌الذکر در خصوص کاستی‌های لایحه مجازات اسلامی 1390 در خصوص افساد فی‌الارض در تعامل با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست. تبصره مذکور در این ماده بر گفته‌های ما در خصوص تعیین معیارهایی نظیر «گسترده بودن»، «در حد وسیع بودن»، «عمده بودن» و... بر اساس قضاوت شخصی قضات دلیل قانع‌کننده‌ای می‌باشد. بر اساس این تبصره: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌گردد». همان‌طور که مشاهده می‌شود، مرجع تشخیص معیارهای لازم برای شمول عنوان مفسد فی‌الارض برای مرتکب، دادگاه تعیین شده بدون اینکه ضابطه‌ای معین به عنوان رکن یا حداقل عنصر قانونی برای تشخیص دادگاه‌ها در نظر گرفته شود.

همین کاستی در قوانین خاص نیز وجود دارد. به عنوان مثال در ماده 4 قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری چنین آمده است «... و در صورتی که مصداق مفسد فی‌الارض باشد مجازات آن‌ها، مجازات مفسد فی‌الارض خواهد بود». در این ماده نیز ضابطه لازم برای تشخیص اینکه آیا جرم ارتكابی مرتکبین، مصداق مفسد فی‌الرض می‌باشد یا نه ذکر نگردیده است. در عوض ماده 9 قانون مبارزه با مواد مخدر، ضابطه مفسد فی‌الارض محسوب شدن مرتکب را چنین

بیان می‌دارد: «... چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است».

لازم به ذکر است در برخی مواد قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 و 1375 مانند مواد 498، 504، 675، 687 و ... و نیز در قوانین متفرقه جزایی دیگر به جرایمی که براساس تعریف مذکور در ماده 284 لایحه، عنوان افساد فی الارض باید اطلاق شود عنوان محاربه داده شده که براساس لایحه جدید عنوانی نادرست تلقی می‌شود زیرا لایحه مذکور جرم محاربه را به صورت مستقل از جرم افساد فی الارض تعریف و شرط تحقق آن را «دست بردن به اسلحه و ایجاد رعب و هراس» دانسته است در حالی که عنوان «محاربه» مذکور در کتاب پنجم قانون مجازات با تعریف یاد شده در ماده 277 تعارض و منافات دارد. در این موارد نیز ضروری است که این عناوین اصلاح شده و از عنوان محاربه خارج گردد. چرا که در صورت تصویب نهایی لایحه جدید، قوانین مذکور به قوت خود باقی خواهند ماند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

اهمیت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها همواره مورد تاکید قرار گرفته است. این مهم در جرایم مهمی مثل سلب آزادی و سلب حیات بیشتر جلوه نموده است. جرم افساد فی الارض که از جرایم سالب حیات می‌باشد، باید در تعامل با اصل قانون بودن جرایم و مجازات‌ها مورد توجه و دقت بیشتر مقنن واقع گردد. زیرا با توجه به تعاریف فقها از محاربه و افساد فی الارض و مصادیق فقهی که در خصوص افساد فی الارض وجود دارد، مشخص شد که قانونگذار در ماده 183 قانون مجازات اسلامی 1370 در واقع جرم محاربه را تعریف کرده است. چرا که اسلحه کشیدن و ایجاد رعب و هراس

که دو شرط اختصاصی این ماده می‌باشند، با توجه به تعاریف فقها از شرایط تحقق جرم محاربه محسوب می‌شوند. به عبارتی دیگر در قانون مجازات اسلامی 1370 و سایر قوانین گذشته جرم افساد فی‌الارض تعریف نشده است. قانونگذار در لایحه مجازات اسلامی 1390 سعی در رفع این مشکل نموده و در ماده 284 لایحه مذکور جرم افساد فی‌الارض به طور مستقل از جرم محاربه جرم‌انگاری شد. ولی تعریف بسیار گسترده و بی‌ضابطه افساد فی‌الارض در آن ماده و گسترش آن به عمده جرایم علیه تمامیت جسمانی، معنوی، جرایم مالی و اقتصادی، جرایم علیه امنیت و جرایم ضد اخلاقی و ضد عفت عمومی و استعمال عباراتی نظیر گسترده، شدید، عمده، و وسیع در بیان کیفیت وقوع آن جرم‌ها و نتایج و پیامدهای آنها موجب می‌شود که قضات در تفسیر این عبارات از اختیارات نامحدودی برخوردار بوده و به تشخیص خود متهم را به حد افساد فی‌الارض محکوم نمایند. در این صورت حقوق و آزادی‌های فردی در معرض نقض بیشتری قرار خواهد گرفت. بنابراین می‌توان گفت که مقررات مربوط به افساد فی‌الارض در قوانین گذشته و تعریف بیان شده از جرم افساد فی‌الارض در لایحه 1390 کاملاً مغایر با اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد چرا که این تعاریف از وضوح و روشنی کافی برخوردار نیستند. بنابراین پیشنهاد روشن نگارندگان حذف عنوان کلی و مبهم افساد فی‌الارض از کلیه قوانین و یا دست کم محدود کردن دایره آن و ارائه تعریفی مشخص و تفسیر ناپذیر از آن است. بنابراین پس از ایرادات وارد بر قانون مجازات اسلامی مصوب 1370 لازم است از سوی مراجع قانونگذاری و نیز شورای نگهبان که وظیفه تطبیق قوانین با شرع و اصول قانون اساسی را دارد، مورد توجه قرار گیرد تا نواقص و ایرادات این قانون برطرف گردد.

پی‌نوشت‌ها

1- این لایحه پس از تصویب مدت اجرای آزمایشی 5 ساله آن در مجلس شورای اسلامی در 28 دی ماه 1390 به تایید شورای نگهبان رسید و علی‌رغم سپری شدن مهلت قانونی مقرر در ماده 1 قانون مدنی، امضا نشد و به تقاضای رئیس قوه قضائیه جهت بررسی مجدد پاره‌ای اشکالات شرعی (!)، به شورای نگهبان عودت داده شد. برابر آخرین اخبار منتشره در سایت ها (1391/8/16) جهت رفع ایرادات جدید شورای نگهبان، به کمیسیون امور حقوقی و قضایی مجلس ارسال گردیده و آن کمیسیون نیز پس از رفع ایرادات و با پیشنهاد اجرای آزمایشی 5 ساله به هیات رئیسه تقدیم کرده است. نکته قابل توجه اینکه این روند در قانون اساسی پیش‌بینی نشده و با اصول متعدد آن قانون مغایرت دارد. از سوی دیگر اعتبار قانون مجازات اسلامی 1370 در پایان سال 1390 تمام شده و از آغاز سال 1391 با اشکال حقوقی روبروست. با این حال با توجه به تایید این لایحه توسط شورای نگهبان شاید بهتر باشد به جای «لایحه» آن را «قانون مجازات اسلامی بلا اجرای مصوب 1390» بنامیم (!) با این همه در این مقاله، از لحاظ عملی به ذکر عنوان «لایحه» اکتفا می‌کنیم.

منابع

- اردبیلی، احمد بن محمد (1416)؛ مجمع الفائده و البرهان، جلد 14، قم، جامعه مدرسین.
- ابن ادریس، محمد بن منصور (بی تا)؛ السرائر، جلد 3، قم، جامعه مدرسین.
- ابن زهره، حمزه بن علی (1417)؛ الغنیه، قم، موسسه امام صادق.
- بای، حسین علی (1385)؛ افساد فی الارض چیست؟ مفسد فی الارض کیست؟، فصلنامه فقه و حقوق، پایگاه مجلات تخصصی نور، شماره 9.
- بخشی‌زاده، امین (1391)؛ بررسی تغییرات و نوآوری های لایحه قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر دوران‌دیشان.
- حبیب‌زاده، محمد جعفر (1371)؛ بررسی جرم محاربه و افساد فی الارض، ویژه نامه کیهان هوایی، شماره 10.
- _____ (1379)؛ محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
- حلبی، ابوصلاح (1403)؛ الکافی الفقه، اصفهان، نشر مکتبه امیرالمومنین.
- حلی، جعفر ابن الحسن (1410)؛ مختصر النافع، تهران، نشر موسسه بعثت.
- حلی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر (بی تا)؛ مختلف الشیعه، جلد 9، بی جا، دفتر تبلیغات اسلامی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسن بن محمد (بی تا)؛ المفردات فی غریب القرآن، به تحقیق محمد سید گیلانی، بیروت، انتشارات دارالمعرفه.
- شامبیاتی، هوشنگ (1371)؛ حقوق جزای عمومی، جلد 2، بی جا، انتشارات پازنگ.
- طوسی، ابوجعفر محمد ابن حسن ابن علی (1342)؛ النهایه، ترجمه محمد تقی دانش‌پژوه، جلد 4، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- _____ (1363)؛ الاستبصار، جلد 4، بی جا، دارالکتب علمیه.

- عمید، حسن (بی تا)؛ فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- گلدوست جویباری، رجب (1387)؛ جرایم علیه امنیت کشور؛ بررسی فقهی و حقوقی محاربه و جرایم مشابه، تهران، انتشارات جنگل.
- مجیدی، محمود (1386)؛ حقوق کیفری اختصاصی؛ جرایم علیه امنیت، تهران، نشر میزان.
- مدرسی یزدی، محمدرضا (1387)؛ پژوهشی در مفهوم و حکم مفسد فی الارض، مجله حکومت اسلامی، شماره اول، سال سیزدهم.
- مرعشی، محمد حسن (1370)؛ افساد فی الارض از دیدگاه قرآن، روایات و عقل، مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، سال اول، شماره دوم.
- معین، محمد (1364)؛ فرهنگ معین، جلد 2، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- میرزایی، نجف علی (1376)؛ فرهنگ اصطلاحات معاصر، قم انتشارات چاپ علمیه.
- میرمحمد صادقی، حسین (1386)؛ حقوق کیفری اختصاصی؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، جلد 3، تهران، نشر میزان.
- عنناکار، مهدی (1377)؛ افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه، تهران، انتشارات مرسل.
- ولیدی، محمد صالح (1374)؛ حقوق جزای عمومی، جلد 4، تهران، نشر داد.
- هاشمی شاهرودی، محمود (1378)؛ بایسته های فقه جزا، تهران، نشر میزان، نشر دادگستر.